



## صنایع دستی با حمایت رونق می گیرد

طراح فرش و صنایع دستی با بیان این که دولت حمایت کند، صنایع دستی رونق می گیرد. از مسئولان خواست تا فضاهای شهری را در اختیار هنرمندان قرار دهند.

با هنرمندان جزیره



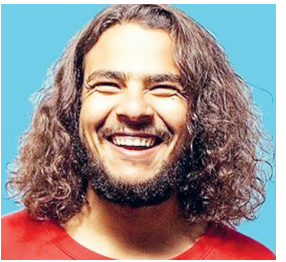
### وقتی که بنزین گران شد

محسن قاسمی

های وحشتناک میدیدم از خواب پریدم نمی دانستم کجا هستم. در همین حین فردی قوی هیکل وارد اتاق شد. پرسیدم: شما؟ گفت: من صاحب خانه ات هستم. حوضی من را زمینشاسی. ۳۱۰ میلیون اجاره این ماه را رد کن بیاد. هنوز حرفش تمام نشده بود، شخص دیگری که لباس سرهمی پوشیده بود وارد شد. گفت: شما کی هستی؟ من مامور پمپ بنزین هستم. دراز کرده و سر من فریاد میکشیدند. همه هم این در اتاق پیچیده بود که ناگهان در باز شد و یک شخص لاغر و مردنی وارد شد. گفت: تودیگه از من چی میخواهی؟ مسرد گفت: ترس من امدم کمکت کنم. نیش خندی زد گفت: شما؟ من؟ بارانه افتادم و دیگر هیچ نفهمیدم.

نوبت من شد. پیر مردی که یقه کاپشن اش تا روی گوشش را پوشانده بود سوار شد. با صدای گرفته ای گفت: ببخشید اگر ممکنه شیشه ها را بالا بکشید. بد جوری سرما خوردم. بعد هم به حالت عطفه افتادها ها هاچی. بله هاچی اون هم بدون دستمال، همان و، سیرایت سرما خوردی بپرمد به من هم همان بعد از ظهرن روز از استخوان درد نتوانستم سر کارم بروم. با خود گفتم امشب استراحت کنم خوب میشم. اما نصف شب به حالی خراب شدم که خانمم مجبور شد من را به بیمارستان ببرد. هر چی اصرار کردم که دو روز سوسپ بخورم خوب میشم، بی فایده بود. چون صبح در اخبار شنیدم بود که چند نفر در اثر انفولانزا ازین رفته بودند. به محض اینکه وارد اورژانس شدم، دکتر دستور بستری شدنم را صادر کرد. وقتی یک آمپول بهم زدند، دیگر چیزی نفهمیدم. نیمه های شب کابوس

از وقتی بنزین گران شد، درد سرهای من هم شروع شد. طبق محاسبات من با توجه به سهمیه ۴۰۰ لیتری ناکسی در ماه که تنها مهمان ۱۰ روز اول بود بود ۲۰ روز از این بنزین آزاد استفاده میکردم، تصمیم گرفتم این بحران را مدیریت کنم. بعد از دو تا چهار تا کردن بنزین نتیجه رسیدم که تنها راه صرفه جویی اجتناب از چرخیدن در یک ایستگاه توقف کتم تا مسافر خودش بیاید و سوار شود. پس از بررسی های زیاد بهترین ایستگاه برای توقف را بیمارستان تشخیص دادم. چرا که بازارها ساعات تعطیلی داشتند، اما بیمارستان شبانه روزی بود از آنمهای مرضی با این فکر جلو درب ورودی بیمارستان تاکسی ام را می آید دنبالم بروم. فقط فردی علی بابا، بی بی می گوید حتی مرضی شده ام. هر وقت چشم باز کرده دیدم دهنم می جنید!



میزی در کافه شروع می کنیم که در فو پشت آن نشسته اند و اسم آلبوم را طوری گذاشتیم که ربطی به دریا ندارد. قصه در آلبوم ما اهمیت میزد و برای من که در آن شهر زندگی کردم، موسیقی سعی کردم یک قصه را که تقریباً در حال رخت بربستن از موسیقی شهر بسود، بیان کنیم. به عنوان مثال، گاهی خودم که در بوشهر زندگی می کنم و یک عمر موسیقی بوشهری شنیده ام، نمی دانم قصه ای فلان قطعه موسیقی که می شنوم چیست و دربار چه صحبت می کند. اما در عین حال

ما درگیر نی ابان، رقص جنوبی و ساده ترین چیزیها شدیم و متأسفانه همکاران ما هم تلاش می کنند از این ویرترین استفاده کنند. اما برای من که در آن شهر زندگی کردم، دردناک است. معتقدم ویرترین موسیقی جنوبی را باید عمیق تر ببینیم و ما سعی کردیم، راحت تر با این مسئله کنار بیاییم و زندگی را وارد موسیقی کنیم. لایران درباره انتشار آلبوم «میزدوتای» انتخاب چنین عنوانی برای آلبومش، گفت: همه چیز از آلبوم شروع می شود و از

آن رابه آوازهای سیریا اضافه می کند و شکل دهنده اصلی این قضیه خواننده و خلاقیت اوست. این خواننده بوشهری ادامه داد: در گروه سیریا بعضی آهنگها را خودم می سازم و خودم می نویسم و گاهی با خواننده های دیگر می نشینیم و آهنگی که نوشته ام را آنها به شکلی دیگر می خوانند. این خیلی برایم جالب است که اجرای آهنگی واحد وابسته به خلاقیت خواننده های مختلف است. وی با تأکید بر اینکه در دیگر ویرترین موسیقی جنوبی شدیم، تصریح کرد:

Top Tours, the people's choice

**تاپ تورز** نماینده انحصاری فروش پارک دلفین کیش

021-8586 | www.ttgroup.ir | @Toptours\_Group | ttgroup.ir

ب و بررسی کند. وی در تمام طول فعالییش آموزش را رها نکرد و سعی دارد به علاقمندان حوزه هنر آموزش دهد. آویشی با اشاره به مشکلات که در حوزه صنایع دستی از گذشته وجود دارد، گفت: شیوع کرونا مشکلات را بیشتر کرد. وی که ۲۰ سال است به فعالیت حرفه ای در حوزه هنر مشغول است و بیش از ۱۰ هزار نفر را آموزش داده، حمایت

**کمک به برگزاری نمایشگاه آثار هنرمندان، یکی دیگر از حمایت های مورد نیاز از هنرمندان است. حضور دلال در این حوزه به کیفیت آثار زیان زیادی می رساند.**

هنرمند می تواند با حضور در فضاهای باز شهری و با بهره گیری از هنر ذاتی آن منطقه به آموزش به علاقمندان نیز بپردازد. وی یکی دیگر اشکال حمایت از هنرمندان را کمک به تالیفات و منابع مهم دانست و گفت: مسئولان می توانند برای انتشار کتاب و تألیف های هنرمندان، انتشارات های بزرگ را پای کار بیاورند. آویشی اضافه کرد: کمک به برگزاری نمایشگاه آثار هنرمندان، یکی دیگر از

با هنرمندان جزیره



### گرسنه

تو... برای تو! و یک پاکت سیب زمینی سرخ شده داد دتم گفت: "پس سسی چی؟ سسی قرمز!" "من چرا؟" "کچلی گفت: "من بریزم... من!" قیافه اش آشنا بود. دیروز از نه یک بسته جوراب زانه خرید. گوشه بسته سس را با دندان کشد و فشارش داد روی قایق پیتزایی که از جعبه بیرون آورده بود. دختر بقیه اش را با ششید روی سبب زمینی ها... بی بی دشتش را دراز کرد و از جعبه یک قاج پیتزا برداشت. چتر خاندش توی کاسه اشکنه و گذاشت دهنش... خندید گفت: "آی چه خوبه... خوبه". مشتتم را پر کردم از سیب زمینی ریختم توی دهنم... بی بی تکلم داد. آفتاب پهن شده بود توی اتاق گفت: "چی می جوی توی خواب؟" لیختند زد. "آب دهنم را فورتن

منم تیز شدیم. بساط فال حافظم را گذاشتم پیش نه... گفتم: "می رم آنجا!" "نه گفت: با هم برویم! با هم!" "کاغذهای فال حافظم را ریخت و چادرش و گوشه اش را گره زد. یک سفره شمایی پهن بود وسط خانه، نان تردی می کردیم توی اشکنه کتک. بی بی هر لقمه ای که دهنم می گذاشت از خوشی سر می چیناند و لا به لا سبزی تازه می چپاند پیشش. درخت روی مقوا به غذا خوردنش نگاه می کرد و لیختند می زد. سساق پایش را آورده بود بالا و جورابش را نشانم می داد... کاسه اشکنه را سر کشیدم. کتک از گوشه های نم شوره می کرد زیر چانه ام. دختر گفت: "یا مسال منم برای

شسپ هایی که گرسنه ام خواب های خوبی می بینم! آفتاب خواب دیدم یکنواخت و یابزون و در همان ها که عکسش روی نایلون جوراب هست آمد دنبالم. دیروز یکی از مشتهای بی بی وقتی نایلون جورابش را پاره کرد ازش بیرون افتاد... خوشگل بود. دوست داشتم دستش را حایل چشمش کنم و دورها را نگاه می کرد. جوراب نازک را کشیده بود روی ساق های خوش فرم، همان لیختند را داشت. آمد دنبالم گفت: "برویم فست قوی!" "فهیتم کجا را می گوید. روبروی بساطم مان آن رو خیابان فست قود علی باباست! جلوی سف است. بچه ها مست مادرشان را می گیرند و می دوند لای قدم هایشان و یک سسرم می گویند: "پیتزا... پیتزا!"

## محمد لاریان: زندگی را وارد موسیقی کنیم

اگر یک اسپاتیفای آهنگ دیگری بزند، حتما رگه هایی از موسیقی اسپاتیفای می شنود. مادر فواصل موسیقی بوشهری کسی پشوانه دارم که به نوحه ها، مداحی ها و آواهای سسور گواری می شود، چون این بخش در بوشهر با حضور ناخدا عباس دریاورد، آقایان شریفیان و مهینیا بیشتر به آن پرداخته شده است. این خواننده بوشهری ادامه داد: تمام

محمد لاریان (خواننده موسیقی بوشهری) گفت: ما ناگزیر به استفاده از فواصل موسیقی محلی هستیم، چون به خوبی آن را بلدیم و مثل این حالت می ماند که

## برگزاری اولین نمایشگاه صنایع دستی تهران بعد از کرونا

گروه فرهنگ و هنر - مدیر کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان تهران گفت: در نمایشگاههایی که به مناسبت هفته صنایع دستی (۲۰ تا ۲۷ خرداد ماه) در حال برگزاری است، اولین فروش نمایشگاهی هنرمندان استان تهران در سال ۹۹ رقم خورد.

اگر یک اسپاتیفای آهنگ دیگری بزند، حتما رگه هایی از موسیقی اسپاتیفای می شنود. مادر فواصل موسیقی بوشهری کسی پشوانه دارم که به نوحه ها، مداحی ها و آواهای سسور گواری می شود، چون این بخش در بوشهر با حضور ناخدا عباس دریاورد، آقایان شریفیان و مهینیا بیشتر به آن پرداخته شده است. این خواننده بوشهری ادامه داد: تمام

## برگزاری مسابقه «بهترین عکس من از ایران» در بلغارستان

گروه فرهنگ و هنر - رابزینی فرهنگی ایران در بلغارستان، مسابقه ایترتی «بهترین عکس من از ایران» را در شبکه اجتماعی فیسبوک برگزار کرد.

گروه فرهنگ و هنر - رابزینی فرهنگی ایران در بلغارستان، مسابقه ایترتی «بهترین عکس من از ایران» را در شبکه اجتماعی فیسبوک برگزار کرد.

### معرفی کتاب «بیمار خاموش»

نویسنده: الکس میکلیدس  
مترجم: مریم حسین نژاد

گروه فرهنگ و هنر - رمان بیمار خاموش از مجموعه رمان های روز و نوشته الکس میکلیدس است. این رمان یک اثر روانشناختی و تریلر است که یکی از پر فروش های نیویورک تایمز در سال ۲۰۱۹ بوده است.

**خلاصه کتاب بیمار خاموش**

داستان بیمار خاموش درباره زنی هنرمند است که به خاطر بیماری روانی، همسرش را می کشد.

آلیسیا برنسون نقاش در یک روز گرم تابستانی، همسرش گابریل، عکاس مد و فشن را در خانه با سیم به صندلی می بندد و با اسلحه چندبار به سر و صورت او شلیک می کند. ماموران او را در حالی پیدا می کنند که با لباسی سفید و حالتی بهت زده بالای سر جازه ایستاده، چاقویی کنار پایش افتاده و رگ دست خودش را هم زده است.

آلیسیا دستگیر و به بیمارستان فرستاده می شود. در بازجویی های پلیس، آلیسیا هیچ حرفی نمی زند. او تا انتهای داستان خاموش می ماند و سکوت را ز آلود را بخوانند.

### معرفی کتاب «شیر فروش»

نویسنده: آنه برنز  
مترجم: سونیا سینگ

گروه فرهنگ و هنر - مان شیر فروش چهارمین اثر داستانی آنه برنرز رمانی خواندنی و غافلگیر کننده درباره است.

می شود مرشدی است که تمام دختران جوان علاقش دارد. او یکی از مهم ترین و معروف ترین افراد شبه نظامی منطقه است. یکی از زیبایی های داستان شیر فروش اینجا است که آنه برنرز قصد ندارد چالش های خسته کننده قوم قبیله ای آن دوره تاریخ ایرلند شمالی را بر ایران به تصویر بکشد، بلکه می خواهد به قلمرو وسی جالب تر باشد: پر دادز؛ به دنبال پاسخ برای پرسش های اساسی تر زندگی در مورد هویت، عشق، روشنفکری و شادمانی بگردد و برای دختری در آستانه بزرگسالی از معنای زندگی سخن بگوید. آنه برنرز این جا ما را نه می شناسیم، عادت عجیبی دارد. او همیشه در حال مطالعه و کتاب خواندن است. اما فضای محل زندگی آن ها طوری است که اگر با یک بسمب در خیابان قدم بزن، طبیعی تر است تا اینکه کتاب در دست داشته باشی. بهر حال او با مردی مرموز و چهل ساله وارد رابطه ای می شود. به زودی معلوم

### معرفی کتاب «بیمار خاموش»

نویسنده: الکس میکلیدس  
مترجم: مریم حسین نژاد

گروه فرهنگ و هنر - رمان بیمار خاموش از مجموعه رمان های روز و نوشته الکس میکلیدس است. این رمان یک اثر روانشناختی و تریلر است که یکی از پر فروش های نیویورک تایمز در سال ۲۰۱۹ بوده است.

**خلاصه کتاب بیمار خاموش**

داستان بیمار خاموش درباره زنی هنرمند است که به خاطر بیماری روانی، همسرش را می کشد.

آلیسیا برنسون نقاش در یک روز گرم تابستانی، همسرش گابریل، عکاس مد و فشن را در خانه با سیم به صندلی می بندد و با اسلحه چندبار به سر و صورت او شلیک می کند. ماموران او را در حالی پیدا می کنند که با لباسی سفید و حالتی بهت زده بالای سر جازه ایستاده، چاقویی کنار پایش افتاده و رگ دست خودش را هم زده است.

آلیسیا دستگیر و به بیمارستان فرستاده می شود. در بازجویی های پلیس، آلیسیا هیچ حرفی نمی زند. او تا انتهای داستان خاموش می ماند و سکوت را ز آلود را بخوانند.